

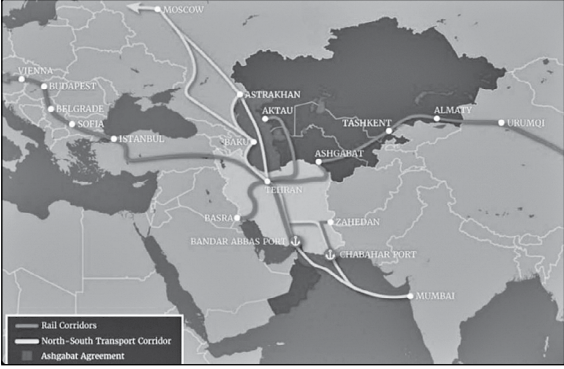
نگاهی به راهبردهای سیاست خارجی در برنامه هفتم

سیاست خارجی اقتصادمحور

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۴۰۱ در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، سیاست‌های کلی برنامه هفتم را به سران سه قوه، رئیس‌مجمع تشخیص مصلحت و رئیس‌ستاد کل نیروهای مسلح ابلاغ کردند. «تقویت رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای و جهانی و تقویت پیوندهای اقتصادی با اولویت همسایگان» در بند ۲۲ عنوان شده است.

«رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی»، موضوع بدیعی است که به‌عنوان یک اصل راهبردی، در روابط خارجی کشور مطرح می‌شود. این راهبر، در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، ارتباط مستقیمی با سیاست نظام مبنی بر خنثی‌سازی تحریم‌ها دارد و در دراز مدت، بر تلاش مستمر و دائمی برای ایجاد تحول اقتصادی و تبدیل کشور به قدرت اقتصادی منطقه ناظر است.

در اجرای این راهبر، دستگاه‌های مرتبط با روابط خارجی به‌خصوص وزارت امورخارجه، باید نقش خود را در یافتن بازارهای مناسب برای کالاهای ایرانی و رونق تجارت ایفا کنند. این دستگاه‌ها باید در حوزه انرژی مانند نفت و گاز تأثیرگذار باشند و متحدین و دوستان بیشتری برای مبادلات و کنترل بازار انرژی بیابند و همچنین با کشورها جهت ایجاد دالان‌های مواصلاتی و دیگر حوزه‌های اقتصادی مانند گردشگری، کشاورزی و… همکاری مشترک داشته باشند. در این میان، اهمیت



تقویت روابط با همسایگان در چارچوب سیاست همسایگی، اهمیت مضاعف پیدا کرده و خصوصاً در شرایط تحریم‌های ظالمانه، مناسبات اقتصادی با همسایگان دور و نزدیک از اهمیت بیشتری برخوردار است. در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به ۲۹ بهمن ۱۳۹۲ از طرف رهبر انقلاب ابلاغ شد نیز، بر توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با همسایگان تأکید شده است.

«گشودن چتر دیپلماسی بر همه جهان» و «تمرکزکردن بر روابط با چند کشور محدود» که از رهنمودهای رهبر انقلاب در زمینه سیاست خارجی است، اهمیت روابط با کشورهای پیرامونی را مضاعف می‌سازد. جمهوری اسلامی ایران دارای پانزده همسایه است که با مساحت نزدیک به سی میلیون کیلومتر مربع، بخش عمده‌ای از خشکی‌های کره زمین را تشکیل می‌دهند. تعداد ۵۵۰ تا شصتمیلیون نفر در کشورهای همسایه ایران ساکن هستند که با احتساب ایران، به ۸۰۰میلیون نفر می‌رسند. حدود ۴۴۰میلیون نفر از این جمعیت، مسلمان هستند و با احتساب جمعیت ایران به ۲۰۰میلیون مسلمان می‌رسند. سیزده کشور از پانزده کشور همسایه ایران، مسلمان و عضو سازمان همکاری اسلامی بوده و اکثریت جمعیت سه کشور بحرین، عراق و آذربایجان، شیعه هستند. حدود ۷۵میلیون نفر از جمعیت همسایگان ما را شیعیان تشکیل می‌دهند که با احتساب جمعیت ایران به حدود ۱۵۰میلیون نفر می‌رسند. ایران با سیزده کشور منطقه دارای پیوندهای قومیتی است؛ یعنی اقوام ایرانی مانند: آذری، کرد، تر کمن، عرب، ازبک، قزاق، گرجی و ارمنی با ملیت‌های این کشورها همبستگی دارند. ایران با نه کشور منطقه الفبای مشترک دارد و الفبای عربی و فارسی در این کشورها رایج است. از نظر وسعت، بزرگ‌ترین کشور جهان یعنی روسیه و یکی از کوچک‌ترین کشورهای جهان یعنی بحرین، در همسایگی ایران قرار دارند. همسایگان ایران در چهار منطقه مهم جغرافیایی و ژئوپلیتیکی قرار قیا دارند. یعنی: غرب آسیا، قفقاز، آسیای مرکزی و آسیای جنوب غربی. ایران در تنظیم سیاست‌های خود با هر یک از همسایگان، نمی‌تواند تحولات سیاسی و امنیتی آنها را نادیده بگیرد.

به‌لحاظ اقتصادی، ایران و همسایگانش بیش از ۷۵درصد از منابع انرژی شناخته‌شده جهان را در اختیار دارند. حوزه خلیج‌ارس، حوزه سیبری و حوزه دریای خزر به ترتیب اولین، دومین و سومین حوزه‌های تأمین‌کننده انرژی هیبردکرینی جهان هستند که نشان‌دهنده اهمیت منطقه و همسایگان ایران است. از جذابیت‌های ایران برای همسایگان، یکی مشابهت نوع زندگی در کشورهای ایران و آسیای مرکزی و قفقاز است؛ مشابهتی در عرصه‌های تجاری و نوع کالاهای مصرفی و خدمات، دسترسی آسان و سریع و نقل‌وانتقال کالا و همچنین مریت‌های مواصلاتی ایران به‌عنوان پل آسیا با اروپا و آفریقا.

تعدادی از کشورهای پیرامونی ایران مانند: امارات، افغانستان، عراق، آذربایجان، ارمنستان و… از بازارهای مهم و اصلی صادراتی ایران بوده و تراز تجاری با اکثر این کشورها مثبت و به نفع ایران است. با توجه به مشکلات ایران برای تعامل با بانک‌های جهان، استفاده از پول ملی در معاملات با همسایگان، یکی از راهکارهای کاهش و خنثی‌سازی فشارهای اقتصادی غرب تلقی می‌شود. افزایش صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فراورده‌های نفتی در کنار فعال‌سازی «صنعت اشتغال‌زای گردشگری» نیز، نقش مهمی در پیشبرد اقتصاد ملی و درآمدهای ارزی خواهند داشت.

رهبر معظم انقلاب سیال گذشته در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم در ششم شهریورماه ۱۴۰۰، با تأکید بر جنبه اقتصادی دیپلماسی، فرمودند: «بایستی در دیپلماسی، جنبه اقتصادی تقویت بشود؛ دیپلماسی اقتصادی یک چیز بسیار مهمی است. امروز انسان مشاهده می‌کند که خیلی از کشورها وزیر خارجه هم دارند اما خود رئیس‌جمهور در زمینه مسئله اقتصادی با کشورهای مختلف یا با فلان کشور خاص، به‌خصوص وارد می‌شود و اسم‌له را [دنبال می‌کند؛ یعنی ارتباط با کشورهای مختلف در زمینه اقتصادی خیلی مهم است. این جنبه اقتصادی دیپلماسی را بایستی تقویت کرد. تجارت خارجی خیلی مهم است، به طور ویژه با همسایگان. ما چهارده پانزده همسایه داریم که یک جمعیت عظیمی را تشکیل می‌دهند، بازار وسیعی را به وجود می‌آورند لکن به اینجا منحصر نباید بود و ارتباط با [دیگر کشورها هم همین جور است؛ حدود دویست و خرده‌ای کشور در دنیا هست؛ ما بنا نداریم با تعداد خیلی معدودی، با یکی دو کشور ارتباط داشته باشیم، با بعضی‌ها هم امکانش شاید نیست اما با اکثر اینها امکان ارتباط خوب و روان وجود دارد؛ تلاش لازم است.»

نکته مهم اینکه اکثر همسایگان ایران به‌خصوص در آسیای مرکزی و قفقاز نیز، به‌دنبال مقاوم‌سازی اقتصاد و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی هستند و تقویت ارتباطات اقتصادی با آنان موجب بهره‌گیری از ظرفیت‌های متقابل سرزمینی، بر اساس منافع متقابل خواهد شد. در این صورت، همسایه از همسایه خود بهره‌مند می‌شود و طرفین می‌توانند همسایگان دیگر پیوند برقرار کنند و این امر، زمینه‌ساز همکاری‌های سه‌جانبه و چندجانبه است.

به نظر می‌رسد دولت سیزدهم در طول یک سال گذشته، سعی کرده است تا نظر رهبر معظم انقلاب را مبنی بر محوریت اقتصاد در سیاست خارجی دنبال کند و به‌عنوان کنشگری فعال، افزایش همکاری‌های اقتصادی با کشورهای منطقه را در برنامه قرار دهد. طبعاً تداوم این سیاست، با توجه به فرصت‌های ایجادشده به‌دلیل بحران اوکراین، می‌تواند موجب تقویت همکاری‌های اقتصادی با همسایگان شده و به افزایش ثبات اقتصادی و خنثی‌سازی تحریم‌های ظالمانه منجر شود.

انقلاب اسلامی، آغازگر گفتمانی جدید در عرصه حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها بود و پس از چند قرن حاکمیت گفتمان سکولاریسم و دین‌گریزی بر فرهنگ، سیاست و اقتصاد جهان، مدل اداره جامعه و حکومت را براساس تعلیم دینی و آموزه‌های وحیانی مطرح ساخت. در حقیقت می‌توان گفت انقلاب اسلامی ایران، طلایه‌دار رنسانس دیگری در جهان بود، با این تفاوت که در رنسانس قرن شانزده و هفده اروپا، بشر با روی گرداندن از آسمان تلاش کرد که همه مناسبات

جریان‌ها و پدیده‌های جهانی و راهبردهای دولت‌ها عموماً بران اساس عملیاتی می‌شدند.

اما انقلابی که درایران به رهبری سترگ مردی عارف و اعمالقنر به وقوع پیوست؛ با گفتمانی غیر از گفتمان رایج غرب وشرق بود. و آن «نه شرقی» و «نه غربی» بود. سخنی نو از جنس ملوکوت و معنویت. در دنیایی که ظلمت شرق و غرب فراگرفته بود، همگان انفجار نوری را بااعیان دیدند که تاریکی‌ها را در نوردید و جانهای خسته را رمقی دیگر بخشید.

نور خدا خاموش‌شدنی نیست

فردی و اجتماعی خود را براساس آموزه‌های عقلانی و تجربی سامان دهد، اما در رنسانس قرن بیستم ایران، انسان با رویکرد دوباره به آسمان، تلاش بزرگی را برای سامان دادن همه مناسبات خود بر مبنای کتاب خدا و سنت معصومان علیهم‌السلام آغاز کرد.

انقلابی که هراندازه در ماهیت وهویت آن تعمق می‌کنند بیشتر در تحریر فرو می‌روند. چرا که با مبنای مارکسیستی یا نئومارکسیستی، مکاتب کارکردگرایی، ساختارگرایی و نوساختار گرایی و یا مبنای مدرنیته و لیبرالیزم نمی‌توان به فهم انقلابی موفق شد که ریشه در بعثت و عاشورا داشته، روی به سوی ظهور دارد و با شاخصه‌ها و معنویت و عدالت فراگیر ظهور پیدا کرده است.

انقلابی کاملاً دینی که بنیان مدرنیته را مورد هدف قرار داده است.

انقلاب اسلامی ایران در دوران جنگ سرد بین دو ابرقدرت جهان یعنی آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی به وقوع پیوست. درآن دوران جهان دوقطبی شده بود؛ قطب غرب و قطب شرق، و

درگذشته برای بیان ویژگی‌های یک نسل به گذشت مدت‌زمانی ۳۰ ساله نیاز بود اما اکنون با پیشرفت سریع فناوری، گذرگون شدن بسترهای جامعه و تحول در نظام فکری و رفتاری افراد، هر دهه به یک نسل متفاوت تبدیل شده؛ به‌عبارت‌دیگر فاصله بین نسل‌ها به ۱۰ سال رسیده است. در توضیح بیشتر می‌توان به این نکته اشاره کرد که متوالان دهه ۶۰ هجومه به نسلی معروف هستند که جنگ را تجربه کرده و بیش از ۳۰ سال از این روزهای ما فاصله گرفته و خوب می‌دانند دنیای غیر دیجیتال و زندگی در آن چگونه است و حالا نمداهای نوستالژیک را با خود به همراه دارد.

دهه هشتادی‌ها و مطالبات بی‌واهمه

این در حالی است که فرزندان دهه ۷۰ به‌گونه‌ای در رفشار و نوع بیان احساسات و تفکرآتشان متفاوت بودند که آنها را به‌شدت از دهه شصتی‌ها متمایز می‌کرد. این نسل، نسلی است که پا به دنیای فتاوری گذاشته و می‌خواهد با سرعت از سنت‌ها فاصله بگیرد. آن‌ها می‌دانستند که چگونه باید در جامعه بی‌واهمه مطالبات خود را درخواست کنند؛ مطالباتی که فقط سیاسی نبود و سویه‌های پررنگ اجتماعی و فرهنگی نیز داشت تا جایکه در فضایی غیرقابل‌باور و شاید جذاب، در کارزار انتخابات ریاست جمهوری، میدان‌دارکمپین‌های انتخاباتی شده بودند.

دهه هشتادی‌ها، شهر وندان حقیقی دنیای دیجیتال
این کنشگری و در خواست مطالبات اجتماعی موجب شد تا گمان کنیم نسل بعد از آنها یعنی دهه هشتادی‌ها انبوهی از عصیان و تقابل با جامعه را با خود به همراه خواهند داشت. در این میان هم اغلب دشمنان با تکیه‌بر همین باور، برای پیش‌برد نقشه‌های خود علیه امنیت نظام

سیاسی

Siyasi@kayhan.ir

پس از فروپاشی نظام کمونیستی در شوروی سابق، آمریکا صحنه بین‌المللی را برای تاخت‌وتاز سیاسی خالی دیده و به تبع آن به قدرت‌تمنایی اقتصادی، فرهنگی و نظامی پرداخت. صنعت و دانش فناوری خود را به رخ جهانبان کشید، اقتصاد و تجارت را در قبضه خود گرفت، فرهنگ لیبرالیسم را بر ملت‌ها تحمیل و آنها را در هاله‌ای از بهت و چندگانگی قرار داد. دلار، صنعت بی‌بدیل و تأثیرگذار فیلم، جوسازی‌های رسانه‌ای و قدرت‌تمنایی نظامی از ابزارهای این پروژه استعماری بود.

به بیان دیگر، نهضت‌های دینی، روند مخالفت با جهانی شدن دشمن نظام سرمایه‌داری آمریکایی را تشدید کرد که خود این روند را به نوعی جهانی شدن تعبیر کرده‌اند.

انقلاب مفهوم دیگری را به عنوان جهانی شدن

ارائه کرد؛ جهانی شدن دین و عدالت توحیدی به جای جهانی سازی لیبرال دموکراسی اومانیستی و کاپیتالیستی.

از این رو پر واضح است که نظام سلطه شیطانی هر آن طرحی نو دراندازد و برای بقای موجودیت خویش دست به هر دستگیره‌ای دراز کند و در مقابل رقیب از هر آنچه که در اختیار دارد بهره می‌جوید که تسال هم این‌گونه بوده و خواهد بود. اما آنچه که نیازی به هیچ شرح و تفصیلی ندارد این که در طول تاریخ در تقابل بین حق و باطل، حق همواره با وجود نابرابری در عده و غُده بر اطل فائق آمده و خواهد آمد.

این وعده خدای عالمیان است که: «يٰرَبِّدُنُوْا اَنْ يُّظْفِرُوْا نَزْرَ اللّٰهِ بِاَظْفَارِهِمْ وَ يَأْتِيَ اللّٰهَ اِلَّا اَنْ يَّتِمَّ نُوْرُهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُوْنَ»(آنها می‌خواهند نور خدا

را بر دهن خود خاموش کنند ولی خدا جز این همه موجودیت آمریکا قده علم کرده و هیمنه او را به تحلیل برد. توحید محور انقلاب بود و نظریه جهانی شدن‌اندیشه خداپواری مطرح و معادلات حاکم بر جهان به طسور کلی تغییر پیدا کردند.

فرمول‌های معادله سازی و حل معادله جابه‌جا شد و دو جبهه حق و باطل شکل گرفت.

مطرح شدن انقلاب اسلامی ایران در سطح جهان و شکل‌گیری جنبش‌های دینی در سراسر جهان به بروز انشقاق و گسست در جریان جهانی شدن فرهنگ غرب منجر گردید. در واقع این روند خود به جهانی شدن دیگری انجامید که با عنوان «جهانی شدن معکوس» از آن یاد می‌شود.
شاید در این خشم بمیرد چنان که مرشد آنان بسیاری مورد توجه قرار گرفتند که عمده‌ترین آنها «جهانی شدن بنیادگرایی و دین» است.

مهدی جبرائیلی تبریزی

شده و به قول پدرش «تنها گنا‌ش این بود که نان حلال درمی‌آورد.»

علی‌اکبر تبریزی‌ها

در بی تجمع غیرقانونی و هتاکانه اغتشاشگران و عناصر ضدانقلاب در تبریز هم حسین اوجاقی با ضربه چاقو توسط اغتشاشگران به شهادت رسید. وی متولد ۱۳۷۰ و فرمانده پایگاه علامه طباطبایی مسجد فاطمی تبریز بود که برای



مقابله با آشوبگران در مقابل مصلاى تبریز حضور داشت و با اقدام غیرانسانی عناصر معاند به فیض شهادت نائل شد.

مادر این شهید می‌گوید: «حسین را به حضرت علی‌اکبر تقدیم کردم. حسین به آرزویش رسید او همیشه دوست داشت به شهادت برسد» پدر شهید اوجاقی نیز از مردم خواست تا با حمایت از رهبری اجازه نفوذ دشمنان را ندهند. برادر حسین هم با قسم یاد کردن به مشی حسینی برادرش در مصاحبه‌ای گفت «به خدا قسم رامت را ادامه خواهیم داد».

بسیجی فعال سپاه محمدر سول الله شهید راه امنیت

«حسین تقی پور» از بسیجیان فعال سپاه محمد رسول‌الله (ص) تهران بزرگ و ساکن اسلامشهر است که توسط اغتشاشگران طی ناآرامی‌های روزهای گذشته در محله صادقیه به شهادت رسید.

شاهدان عینی توضیح داده‌اند که به دنبال اغتشاشات تعدادی از آشوبگران به او حمله کرده و ضربات زیادی به سر آن وارد می‌کنند. وی به بیمارستان قبیله‌ای منتقل می‌شود اما در اثر شدت جراحات به درجه رفیع شهادت می‌رسد.

همسر شهید در گفت‌وگویی اظهار کرد: دشمن بداند با شهادت همسرش و دوستانش هیچ سستی نمی‌تواند در دفاع از انقلاب در ما به وجود بیاورد و تا آخرین قطره خون پای انقلاب

و رهبری ایستاده‌ایم.

به گفته سر دل‌دار حاج قاسم سلیمانی، ما ملت امام حسینیم و در مکتب امام حسین(ع) و باورش نشده این‌قدر زود ماجرای عباس تمام‌شده است و حالا او مانده و فرزند ۱۵ ساله پسرش! از عیاس شب حادثه را این‌گونه روایت می‌کند: «حوالی ساعت هشت و نیم بود که رفت داروخانه برای دندان‌درش منم نکردند…» و دیگر عباس برنگشت. پدرش با تکرار می‌گوید: «همی‌دانم چه کسی ایشان را تسور کرد! به قسم خورده ایران اسلامی خالی نمی‌گذارد و همواره تمام‌قد از انقلاب اسلامی دفاع خواهند کرد».

عباس خاقلی را آشوبگران با گلوله به شهادت رساندند، او عضو بسیج فعال محله‌شان بوده و چند سالی می‌شد که در یک شرکت مشغول به کار

منبع: بصیرت

صفحه ۷

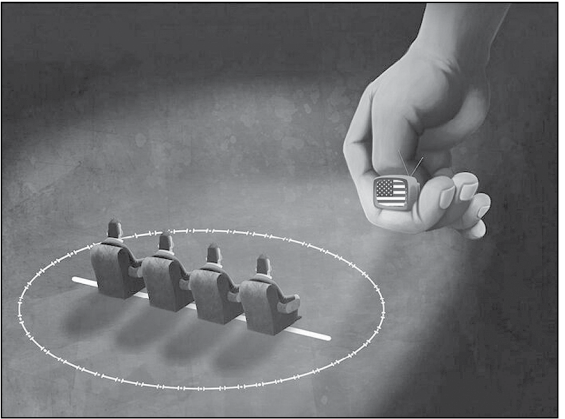
پنج شنبه ۱۴ مهر ۱۴۰۱

۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۴ – شماره ۲۳۱۳۴

سلبریتی‌ها و نقش نامتعارفشان در اغتشاشات

طی دو هفته اخیر خیابان‌های اصلی شهرهای بزرگ و کوچک کشور شاهد آشوب و اغتشاش افرادی بود که عموماً یا گول پروپاگاندای رسانه‌ای دشمن از ضد انقلاب و منافق و کومه‌لا تاعروس‌های خیمه شب بازی صهیونیست، آمریکا و آل‌سعود چون مسیح علی‌نژاد و دیگران را خورده بودند؛ با خود آموزش دیده و لیبر اغتشاش به بهای پول یا وعده وعید زندگی‌های آنجانی بودند؛ دشمنی که نه نگران حجاب زن مسلمان بود و نه تجزیه و چند پاره شدن کشور برایش فرقی داشت بلکه تنها در آرزوی دست یابی به رویای ۴۳ ساله خود با بهانه‌ای واهی یعنی خون خواهی از مرگ دختری جوان آن هم در مقر پلیس امنیت اخلاقی و تذکر برای پوشش نامناسب به وی هزینه هنگفتی به لیبر‌ها و آشوبگران پرداخت کرد.

دشمنی که برای بار چندم غیر از بهره‌گیری از جوانان و نوجوانانی که حالا غرق در فضای مجازی هستند و نمی‌توانند فرق خبر راست و دروغ و تفاوت خیر و شر و افراد خیرخواه یا دشمنان را تشخیص دهند و به‌اندک تبلیغاتی سریع تحت تأثیر قرار می‌گیرند از وجود سلبریتی‌های داخلی و خارجی هم استفاده کردند؛ افرادی شاخص که به سبب فعالیت‌های هنری، ورزشی و موسیقی و سایر حوزه‌ها طرفدارانی دارند و با ظهور عصر مجازی در پیام رسان‌های مختلف فالورهای بسیاری به دست آورده‌اند.



معروفیتی که مرهون انقلاب است

سلبریتی‌ها افراد با نفوذی هستند که این نفوذ و معروفیت و ثروتی که به دست آورده‌اند را از طریق همین نظام و ملت انقلابی و مسلمان کسب کرده‌اند اما حالا برخی به این معروفیت و مشهوریت و ثروت غره شده و خیالات خامی به سرشان می‌زند و گمان می‌کنند می‌توانند رهبر شوند و جامعه‌ای را هدایت کنند. شاید همین تصور بود که سبب شد سلبریتی‌هایی مانند علی کریمی و مه‌ران مدیری و دیگرانی که کم هم نبوده‌اند حالا به بهای پول و ثروت بیشتر با اقامت و تابعیت دست تا نفت ریختن به آتش اغتشاش بزنند یا اصلاً جزو لیدران اصلی دشمن برای آشوب‌های خیابانی شوند و خسارت‌های مالی بسیاری از تخریب اموال عمومی و خصوصی تا کشته و شهید شدن جوانان و مردم و ناامنی در کشور بزنند.

اگر ناحقی نکنیم علی کریمی بازیکن خوب و قابل‌ی بود که توانست با تشویق همین مردم مسلمان و انقلابی و با پول بیت‌المال همین نظام و انقلاب بله‌های ترقی را یکی یکی طی کند و حالا جزو افراد با نفوذی به لحاظ اجتماعی شود که خیلی از نوجوانان و جوانان جذب جایگاه و نه شخصیت شوند؛ فردی که قدردان مردم نبود و با ادعای اینکه من از مردم هستم و برای آنها فعالیت می‌کنم دستاویز دشمن شد تا با خط گیری از آنهایی که ماهیستان خیلی هم نامشخص نیست اما پشت پرده نشسته و وی را تأمین مالی، اطلاعاتی و رسانه‌ای می‌کنند لیبردی آشوب‌های خیابانی را عهده‌دار شود تا لیخندی عمیق بر چهره تک تک دشمنان این ملت و سرزمین پهناور بنشیند که بالاخره زمانه تعبیر روای ماست.

اقلیت در مقابل انقلاب اکثریت

اما دشمن خبر نداشت اگر انقلاب،انقلاب شد نه با پول و ثروت قدرت‌های خارجی و رهبری فوتبالیست و بازیگر و در اصلاح ۴ درصدی‌های جامعه بود بلکه یای ۹۶ درصد مردم در میان بود پای آنهایی که دلشان امنیت و اقتدار می‌خواست نه پستی و بزونی جلوی استکبار جهانی؛ دشمن درک نکرد این انقلاب اقلیت نبود بلکه انقلاب اکثریت بود و نمی‌توانند با جودهی به یک سلبریتی فوتبالیست یا چند بازیگر شاخص که قطعاً آنها هم تحت تأثیر دروغ‌های رسانه‌ای قرار گرفتند انقلابی به بزرگی انقلاب اسلامی ایران را نابود کند.

انقلابی که بزرگ‌رمدانی همچون سردار سلیمانی پرورش می‌دهد که به تنهایی ۹۸ درصد هشتنگ‌های فضای مجازی را از آن خود می‌کند و کسی در جهان نیست که نام سردار بزرگ ایران و فرمانده مقتدر جهاد و دفاع در برابر تروریست و هلاکت آنها را نشنیده باشد سرداری که ارتشی در برابرش به ترس و لرز می‌فتاد و استکبار جهانی برای شهادتش سالها برنامه ریخت و هزینه کرد اما هنوز هم ناش برایشان وحشت می‌آورد که نمی‌توانند با فرمانده مقتدر و مسلمان ایرانی رو در رو شوند.

سلبریتی‌های فریب‌خورده

سلبریتی‌ها این بار خیلی بد آبروی خود را بردند و ندانسته و نا آگاهانه فریب خوردند در حالی‌که واقعیت این پروپاگاندای رسانه‌ای را رمز مهسا امینی خون خواهی از مرگ ناهنگام دختری جوان نبود چرا که اصلاً مرگ این خانم جوان ارتباطی با پلیس و گشت ارشاد نداشت و ادعای ضرب و جرح ادعای پوچی بود که برای تحریک احساسات جوانان انجام شد وگرنه چرا کسی برای دیگر دختران و پسران سرزمینم که تاکنون با ناجوانمردی پرپر شده‌اند سینه چاک نداده است چرا کسی برای فدakar مازندران‌ای امیر کیوانلو که چند روز قبل از مهسا امینی جانش را برای نجات جان خانی جوان فدا کرد تجمع و آشوب نکرد چرا کسی دلش برای پسر ۱۸ ساله تهرانی که فدای شهوت ناپاکان شد تنبید چرا کسی برای ادعای امیر امارات و هوس تصاحب جزایر تبت کوچک و بزرگ و ابوموسی که جوانان بسیاری دارد و پاره وطن هستند خشمگین نمی‌شود و با چاقو و قمه به سرشان نمی‌کوبد که اینها خاک وطن است چرا همان سلبریتی‌های پر مدعا حتی یک استوری نقابل نمی‌گذارند؟ پاسخ واضح و مشخص است مرگ امثال مهسا امینی و حتی کل جوانان و نوجوانان کشور و نابودی آینده آنها فرقی برای علی کریمی و مه‌ران مدیری و سایر سلبریتی‌ها ندارد آنهایی که مال و ثروت خود را برداشتند و ماهه‌قبل از این برنامه‌ریزی برای این اغتشاشات در خاک بیگانه و دشمن خلیج‌فارس جا خوش کرده‌اند و به خیال خود هیچ تهدیدی برایش فرقی ندارد و با خیال راحت همچون تصویر هیتلر فقط دست خود را به نشانه حمله جلو می‌برند و می‌گویند کف خیابان بمانید و به آشوب ادامه دهید! اما چرا؟

سلبریتی در دادگاه

امروز ایران اسلامی به چنان صلابت و اقتداری رسیده است که خیلی‌ها را می‌ترساند و درست در بزنگاه‌هایی مانند حضور رئیس‌جمهور در سازمان ملل برای کم‌اثر بودن این حضور دشمن فعالیت خود را آغاز می‌کند حالا به بهای مرگ دختری جوان یا هر بهانه دیگری فرقی برایش نمی‌کند. مهسا امینی دختر جوانی بود که آرزوهای ریز و درشت و شیرینی داشت اما با مرگ ناهنگام خود هم خانواده اش و هم همه ملت و سسئولان را متاثر کرد و تمام آن آرزوها را با خود به خاک برد اما درس بزرگی به یادگار گذاشت و آن اینکه این نظام و انقلاب با استوری و جودهی هدای سلبریتی را پای در نمی‌آید و همه این افراد باید جواجوی نقش خود در این آشوب و بلوا باشند حالا می‌خواهد یک استوری نقابل همچون ایزدیار باشد یا خطه‌دی آشوب همچون کریمی و یا آتش ببار معرکه همچون مدیری؛ همه باید در دادگاه پاسب‌خکو بروند وگرنه این جریان باز هم تکرار می‌شود همان‌طوری که پیش از این بارها تکرار شده است.

ملیحه زرین‌پور